



ماننامه آگاهی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال هفتم • شماره ۱۲۷ • ۳۰ جدی ۱۳۹۲ • 20 • 2014 JANUARY

ورکشاپ مقدماتی نظر خواهی پیرامون استراتژی ارتباطات آگاهی عامه حقوقی



گزارشگر: سید رحمان عظیمی
به تاریخ ۱۴/۱۳۹۲/۲۵ مطابق ۲۵ دسامبر ۱۳۹۱ / ورکشاپ مقدماتی نظر خواهی پیرامون تدوین استراتژی ارتباطات آگاهی عامه حقوقی در هتل پارک "ستار" واقع شهر نورنگر برگزار گردید. شاملین این ورکشاپ مأمورین بخش آگاهی حقوقی وزارت عدلیه، نمایندگان وزارت های مربوطه، دیپارتمنت آگاهی حقوقی عامه، نمایندگان بخش عدلی برنامه های انکشافی ملل متحد و حقوق بشر بودند. ابتدا آیات چند از کلام الله "مجید" توسط عبدالمهین منصور "مشاور وزارت عدلیه تلاوت گردید. بعداً محترم سید محمد "هاشمی" معین اداری وزارت عدلیه شاملین ورکشاپ را خوش آمدید و غیر مقدم گفته و سایرینات عالمانه خویش ورکشاپ مذکور را رسماً افتتاح نمود وی در جریان صحبت های خود فرمود همه می دانند که ارتباطات به معنای فن انتقال اطلاعات و معلومات درست و رفتار های رسانه های انسانی از یک شخص به شخص دیگر است که افراد به مهارت ها طرز فکر رفتار و عملکرد های جدید دست می آید. وی افزود من فقط روی چهار نکته آن تاکید میکنم که شاید به نظر من بهترین باشد. یکی عوامل موثر ارتباطی منبع و منابع پیام گیر که پیام را می رساند به مخاطب و این منبع شخص باشد یا رسانه ای تصویر باشد چی صوتی؟ چی نوشتاری عامل دوم ماهیت پیام است که پیام چگونه تدوین و تنظیم می شود عامل سوم ویژه گی های پیام گیر و پیام گیران و یا مخاطبان است عامل چهارم محیط و شرایط دریافت پیام است. به تعقیب آن محترم همایون "بشیر" نماینده موسسه لایس در قدم اول کمیته ای را برای اشتراک کنندگان معرفی

نموده اهداف ورکشاپ یعنی شناخت اساسات و عناصر کلیدی برای تهیه یک پلان موثر ارتباطات استراتژیک را بیان نمود. وی در جریان صحبت های خویش فرمود چگونه می توانیم به گونه استراتژیک ارتباط برقرار نماییم. مفاهیم استراتژیک چیست؟ فلسفه استراتژی، مدیریت استراتژیک چیست؟ و به کار گیری آن چه ضرورت های دارد؟ ضرورت های استفاده از مدیریت استراتژیک چیست؟ مزایای بکار گیری مدیریت استراتژیک، تسهیل وضعیت تدوین استراتژی، اجرای

حسب تنفیذی منسوبین عسکری

تبع و نگارش: فیض الله خواجه امانی

خدمات داخله، نقض مقررات رانندگی و غیره که در (۴۶) مورد از ماده (۱۲) الی ماده (۴۶) قانون جرایم عسکری درج و به شماره (۱۱۵) مورخ ۲۷/۹/۱۳۸۴ جریده رسمی از آن تذکر بعمل آمده است. اما در سایر جرایم نمیتواند حسب تنفیذی الی یکسال را به قطعه سیری نماید. نباید در یکی از محاسبات کشور مطابق قانون تطبیق حسب در محاسبات و توقیف خانه ها باید حسب خویش را بگذراند، البته نکته دیگری که قابل تذکر میباشد اینکه معناد به مواد مخدر نباشد. کسانیکه به مواد مخدر معناد باشد در پهلوئی اینکه مطابق ماده سوم مقررده طرز سیری نمودن حسب تنفیذی الی یکسال که باید در قطعه وظیفه خویش را مثل سایر منسوبین نظامی اجرا نماید و وظیفه خویش را اجرا کرده نمیتواند بسلسله توسط آن، دیگر منسوبین نظامی هم به مواد مخدر معناد خواهد شد. لذا در ماده مذکور قید کرده که در آن منسوب نظامی میتواند مدت حسب خویش را که به مدت الی یکسال محکوم شده باشد به قطعه سیری نماید که معناد به مواد مخدر نباشد. نکته دیگری که درین ماده قابل توضیح میباشد اینست که قبلاً به ارتکاب جرم دیگری به مجازات حسب بیش از یکسال محکوم نگردیده باشد. به این معنی که غیر از جرم وظیفوی که حالا انجام داده

است که اینک پیرامون آن بحث خواهیم داشت. در رابطه به سیری نمودن حسب تنفیذی منسوبین عسکری که الی یکسال محکوم به حسب تنفیذی میشوند. در ماده دوم مقررده طرز سیری نمودن حسب تنفیذی منسوبین عسکری چنین آمده است: (منسوبین عسکری که به اثر ارتکاب جرم وظیفوی به حکم قطعی محکمه به حسب تنفیذی الی یکسال محکوم گردند، در صورتی که واجد شرایط ذیل باشند مدت محکومیت خویش را در داخل قطعه سیری می نمایند: ۱- معناد به مواد مخدر نباشد. ۲- دارای سلوک نیک باشد. ۳- قبلاً به ارتکاب جرم دیگری به مجازات حسب بیش از یکسال محکوم نگردیده باشند. در رابطه به ماده مذکور باید گفته شود که چند نکته قابل توضیح دیده میشود که ذیلاً به آن اشاره مینمایم: در ماده مذکور دیده میشود که از جرم وظیفوی تذکر داده شده، که هدف از جرم وظیفوی همان جرایم است که خاص نظامی میباشد مانند: ترک خود سرانه قطعه در حالت سفر یا جن گنیا محاربه، غیابت خود سرانه منسوب عسکری، مفقودی یا تخریب سلاح و مهمات، مواد متفلسه، تخفیک عسکری و سایر وسایل محاربروی، نقض مقررات

موجودیت فسانون در یک جامعه بسر خواسته از نیاز مندیهای است که برای رفع آن نیاز مندیها باید قواعد و مقررات تحت نام قانون وضع، که هم جنبه عمومیت و هم در قبال خود مویده داشته باشد. یکی از دانشمندان حقوق میگوید "که قانون ساز قانون نمی سازد بلکه او قوانین را فورمولبندی می کند. قانون ساز جامعه خود را تشخیص نموده و چنان قوانین بوجود می آورد که نیاز مندیهای جامعه را مرفوع سازد". شرایط اجتماعی ایجاب میکند که برای تحکیم مناسبات اجتماعی تدابیر باید گرفته شود تا نظم و امنیت در جامعه حفظ گردد. از آنجا که نظامی های کشور ما هم جزء جامعه ما میباشد روی این ملحوظ فرض حفظ نظم و تحکیم قانونیت بالخاصه در عرصه نظامی یک سلسله قواعد و مقررات خاص وضع و در صورت تخطی از قسوانتین نافذ عرصه مذکور مویده هم باید در قبال داشته باشد. بنیاً قانون اجراءات جزایی و قانون جزای عسکری وضع و نافذ گردید. غرض و قیاس بیشتر و تطبیق دقیق قوانینهای مذکور مقررده طرز سیری نمودن حسب تنفیذی الی یکسال کسانیکه به این منسوبین محکوم میشوند به شماره (۹) مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۳ طرف شورای محترم وزیران تصویب و به شماره (۱۰۸۶) مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۱ جریده رسمی به نشر رسیده

عدالت از دیدگاه شرع و قانون

سید رحمان عظیمی

عدالت یکی از مهمترین اصولی است که در دیدگاه های بشری و اندیشه دینی مورد عنایت ویژه قرار داشته است. یکی از مهمترین موضوعاتی که همه ما در زندگی اجتماعی خود کوشش میکنیم که آن را تامین نمایم عدالت است، میل به عدالت چیزی است که خداوند متعال در سرشت و فطرت همه انسانها به وجود آورده است. البته پرورش اجتماعی و تاریخی بشر در درک از عدالت و نوع شکل بندی انگیزه عدالت خویش مؤثر است. عدالت به معنای اعطای حقوق و مطالبات منطقی هر شخص به تناسب صلاحیت، شایستگی و نیاز مندی های فطری و اجتماعی ایشان می باشد. بر این اساس، عمومیت استفاده از منابع و ثروت های عمومی و یا امکانات دولتی برای همه و رسیدن به مرز بی نیازی در جامعه، از شاخصه های مهم، تحقق عدالت است. امری که بی شک مهمترین حلقه ی از کارکرد نظامهای بشری دیر می گیرد عدالت است.

اما این عدالت چیست و راه رسیدن به آن کدام است؟ پسرایی عدالت تعاریف مختلفی ارائه گردیده است.

عدالت در لغت: به معنای میانه روی کردن، تساوی، برابری و در هر کاری حد وسط و اعتدال را در نظر داشتن است و یا معادل نظم و ادب است. در فارسی «داد» معادل عدل و «دادمندی» یا «دادگری» معادل عدالت است. عدل در لغت عبارت است از صفت نفسانی ثابت در نفس که در مقابل، ستم قرار دارد. گاهی گفته شده است: عادل کسی است که سخن و حکمش مورد رضایت و خشنودی مردم باشد و یا عادل کسی است که هوا و هوسش او را متمایل و منحرف نمی کند که در حکم و قضاوتش ستم نماید. «عدالت» وقتی به انسان نسبت داده شود، یعنی کسی که سخن و کردار و قضاوتش مورد رضایت خداوند باشد. و یا عدالت یکی از خواسته های درونی انسان ها است. تمام انسان ها در هر زمان و مکان خواستار عدالت می باشند و همواره در زندگی خود از آن دم می زنند و از نافرایی و تبعیض سیزاری می جویند. عدالت نسبت به سایر ارزش های معنوی مانند مساوات، برابری، از جایگاه والای برخوردار است.

و همچنان کلمه عدل را معمولاً با چند معنا و کاربرد در اندیشه های اسلامی یاد کردند، که برگرفته از قرآن و سنت نبوی است. این معانی عبارتند از: راستی، درستی، «داد» معادل عدل، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حقدار.

امام علی (ع) در مقایسه ارزش عدل و بخشش چنین جواب ارائه داده، ترجمه: از امام پرسیدند: عدل یا بخشش کدام یک برتر است، فرمودند: عدالت، هر چیزی را در جای خود می نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالیکه بخشش گروه خاصی را شامل می شود، پس عدالت شریف تر و برتر است.

عدالت در اصطلاح: هم به چندین معنی استعمال شده است. به معنای ملکه یا صفت نفسانی، ثابت و مستقر، اکثر فقها و دانشمندان بر این باورند که «عدالت» (صفت نفسانی) است یعنی «انسان به جهت ترس از خدا، از گناهان کبیره اجتناب کند و بر گناهان صغیره اصرار ننماید» این گفته مانند دروغ، غیبت، نهمت، آدم کشی، ربا خواری، یا «سود خواری» ترک نماز و ترک روزه، که انسان را به ترک گناه و ادا میکند، گناه صغیره نیز با اصرار بر آن، گناه کبیره محسوب می گردد. عدالت در اخلاق یونانی صفت کسانیکه است که هر سه صفت حکمت، شجاعت و عفت را داشته باشد. عدالت به نظر بعضی از افراد عدالت یعنی توزیع عادلانه نتایج بر اساس عملکرد افراد. از این منظر افراد طبق تلاش که از خود نشان داده اند مستحق پشرفت، کسب قدرت، منابع و موقعیت هستند. اما گروهی از نویسندگان معتقد هستند، پرداختن به تابع بدون در نظر گرفتن رویه ها منجر به عدالت نخواهد شد. برای رسیدن به عدالت باستانی رویه های موجود در جامعه عادلانه باشد.

اندامه در ص ۲

حس تنفیذی ...

عدالت از دیدگاه ...

و رقابت و تلاش و توزیع منابع براساس آن، زمانی که عدالت می انجامد که شرایط یکسانی برای همه افراد موجود باشد.

نگاهی اجمالی به عدالت اجتماعی در افغانستان و عملکرد نظامی حاکم:

در کشورما (افغانستان) موضوع عدالت اجتماعی که اساساً زمینه ساز تحول و اتحاد در هر جامعه می باشد، تا کنون شکل نگرفته است و جامعه افغانستان از عدالت اجتماعی به عنوان یک شاخص مهم در جهت توسعه همچنان محروم مانده است. حالانکه در باره عدالت اجتماعی در ماده (۶) قانون اساسی چنین صراحت دارد: "دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انگشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد."

در افغانستان واقعیت این است که هم در مقام تئوری و نظر و هم در مقام اجرای عدالت در تمامی حوزه های عدالت قضایی، مشکلات فراوان وجود دارد. عدم شفافیت در رسیدگی دوسیه های مردم در محاکم کشور و همیتطور فساد گسترده در ادارات مربوطه باعث شده است که مردم در برخی مناطق محاکمه های صحرائی طالبان را بر محکمه های رسمی ترجیح دهند.

برای اثبات این مدعا تلاش زیاد لازم نیست امروزه با یک سروی ساده و با یک نگاه اجمالی به طور نمونه از بی عدالتی در قسمت بازسازی یاد آور می شویم. میزان پروژه های در حال اجرا و به انجام رسیده در مناطق مختلف کشور هرگز نشان دهنده رعایت اصل اعتدال، توازن و انصاف در این زمینه و سایر موارد دیگر اصلاً قابل ملاحظه نیست.

متأسفانه به دلیل غفلت و یا تغافل مسئولین بسیار از مناطق کشور از کمترین میزان توجه در امر بازسازی بهره مند نبوده است و اکنون پرسش اساسی این است که براساس جایگاه عدالت و تحقق عدالت اجتماعی در نظام کنونی افغانستان در کجا است؟ آیا پس از این نیز ما شاهد تداوم بسی عدالتی هادر جامعه خواهیم بود؟

مقامات افغانستان همواره این ادعا را داشته اند که عدالت را در کشور به طور یکسان اجرا خواهند کرد، برای دولت هیچ شخصی از دیگری برتر نیست و منابع افغانستان به طور عادلانه میان افشار مختلف تقسیم خواهد شد.

اولین گام (پرهیزکاران) در عدالت خواهی، زدودن و از بین بردن هوا نفسانی خویش است. جامعه ای که در آن توزیع منابع مناسب باشد، قدرت بصورت مساویانه در جامعه تقسیم و تسهیم می شود که این شرایط عدالت اجتماعی و رفاه عمومی را به همراه می آورد. عدالت اجتماعی ایده اصلی تفکر مدرن در بخش عدالت به شمار می رود و بهره مندی مردم یک اجتماع از عدالت و فرصت هایی برابر و عادلانه در آن جامعه را مورد توجه قرار می دهد.

در قرآن کریم شرط دست یافتن به تقوا عدالت در رفتار است: «اعدلوا هو اقرب للتقوی»: عدالت یورزید که به تقوا نزدیکتر است. عدل از دیدگاه امامیه چندان مهم است که جزو اصول مذهب به شمار آمده است و معنای آن اقرار است به آنکه «خداوند هر چه فرموده و هر حق که برای هر کس نهاده براساس عدالت است» است.

پیامبر (ص) که خود نمونه فردی بود که در طول حیاتش به عدالت رفتار میکرد و دیگران را نیز به آن ترغیب میکرد، در جایی فرموده است: ترجمه: همه اجزای جهان به عدل نهاده شده است. در رفتار عادلانه پیامبر (ص) همین بس که در واپسین روزهای حیات خویش در مسجد مدینه فرمود: «هر کس نزد من حفسی دارد، بسرخیزد و درخواست کند».

در قرآن کریم، بیش از ۱۰ بار در باب عدالت یاد آور می گردیده اما این به عدالت رفتار کردن از نظر قرآن جنبه های متعددی دارد: عدالت میان خود و مردم، عدالت میان خود و خدا: (شوری، ۱۵)

عدالت از نظر دانشمندان حقوق، عدالت چیست و معیار آن کدام است؟ بوعلی سینا در این باره در کتاب «شفاه» می آورد: «انسان دارای زندگی اجتماعی است و از وضع قوانینی که بتواند زندگی اجتماعی و بلکه فردیاش را براساس عدالت سامان دهد و او را به سعادت شایسته خود برساند، ناتوان است. پس بر خداوند لازم است که به مقتضای حکمتش، انسان را در این زمینه هدایت کند» پس، چنان که مشاهده میشود، عدالت از ضروریات دین است و باید معیار آنرا از وحی استخراج کرد. انسان رای اینکه به منافع خود برسد، به حیات اجتماعی نیاز دارد و برای اینکه به حیات اجتماعی برسد دیگران را در خدمت و مسیر هدف خود به کار میگیرد. وقتی زندگی اجتماعی شکل گرفت یک سلسله اعتبارات ضرورت میآید، که یکی از آنها، اعتبار عدالت است.

اما عادل به کسی گفته می شود که سخن و حکمتش مورد رضایت و خشنودی مردم باشد. یا عادل کسی است که هوا و هوسش او را متمایل و منحرف نمیکند که در حکم و قضاوتش ستم نماید، «عادل» وقتی به انسان نسبت داده شود که سخن و کردار و قضاوتش مورد رضایت مردم باشد.

عده ای نیز عدالت را در سایر موارد، مثل شهادت، قضاوت و غیره تفصیل قائل شدند و گفته اند در عدالت صفت نفسانی لازم است، ولی این در عدالت شهادت است، نه عدالت امامت (حکومت داری) و ممکن است که چون ظاهرش (شهادت) غالباً در حقوق الناس است در آن جا احتیاط ضروری باشد و در عدالت امامت همین کافی باشد که اصرار بر فسق نداشته باشد بنابراین عدالت فقط به معنای صفت نفسانی نیست، بلکه عقیده های متفاوتی پیرامون آن وجود دارد. که این پیوستگی منطبق با معنایی دارد که ما برای عدالت بیان می کنیم، اگر عدالت را به معنای اول (ملکه و صفت نفسانی) گرفتیم در این صورت دو حالت متصور است.

الف: کسی که قبل از تکلیف و بلوغ، اوامر و نواهی الهی که شامل مکلفین می شده (اگر چه شامل خودش نباشد) را مراعات می نموده و از آن پروا داشته است، مثلاً کسی است که نماز می خوانده، روزه می گرفته و ... همچنین دروغ نمی گفت، از افترا اجتناب می نمود، پس چنین شخصی به محض رسیدن به حد بلوغ به طریق اولی عدالت محرز می شود و او عادل محسوب می شود.

ب: اما اگر کسی که قبل از تکلیف (با توجه به این که مکلف نیست) هیچ توجهی به اوامر و نواهی الهی که شامل مکلفین می شده نکرده و از آن پروا نداشته، و یا از آن بی خبراند در این صورت چنین شخصی را به محض رسیدن به حد بلوغ نمی شود عادل و یا فاسق دانست، بلکه باید مدتی بگذرد تا او را نسبت به این صفات بستجیم بعد در مورد او حکم کنیم که عادل است یا فاسق. از این رو می بینیم عده ای در مورد عدالت افرادی که تازه به بلوغ رسیده اند، گفته اند: فاسق کسی است که معصیت خدا می کند در مقابل آن که پرهیز کار باشد، این هر دو صفت صفت نفسانی است، یعنی عادت راسخ و آن که تازه به بلوغ رسیده و هیچ یک از دو صفت راسخ و ثابت در او نیست و احتمال دارد مرتکب گناه شود هر چند برای او اتفاق نیفتاده باشد باز حکم عادل بر وی نمی شود.

و به اثر آن محکوم به مجازات شده جرم نظامی دیگری را قبلاً انجام نداده باشد. اگر جرم نظامی دیگر را قبلاً انجام داده و بلاثر آن محکوم به مجازات پیش از یکسال شده باشد نمیتواند جیس خود را به قطعه سپری نماید. مثلاً حالا اگر به جرم تهدید آمر محکوم به جیس الی یکسال شده باشد، قبلاً به اثر ارتکاب جرم افشای معلومات عسکری حاوی اسرار دولتی بمدت بیش از یکسال به جیس محکوم شده باشد. این نوع مجرم را قانون دانان مجرم متکرر دانسته عمل جرمی دومی را که انجام میدهد از جمله حالت مشدده به حساب آمده لذا نباید جیس خویش را به قطعه سپری نماید، در چنین حالت باید غرض سپری نمودن جیس به یکی از محاسب کشور تسلیم داده شود.

اما ناگفته نباید گذاشت که سپری نمودن جیس در قطعه که کمتر از یکسال به جیس محکوم شده باشد البته با در نظر داشت افسر، برید مل و سر باز بودن دارای محدودیت های میباشد که ذیلاً تذکر داده میشود. هر گاه محکوم سر باز باشد، حسین سپری نمودن مدت محکومیت در قطعه تابع محدودیت های ذیل میباشد.

۱- محرومیت از پنجاه فیصد معاش.

۲- محرومیت از شمولیت در کورس ها و پروگرام های تعلیمی خارجی.

۳- عدم محاسبه مدت محکومیت در دوره خدمت.

محرومیت های افسران و پرید ملان:

هر گاه محکوم افسر و پریدمل باشد حسین سپری نمودن مدت محکومیت در قطعه تابع محدودیت های ذیل میباشد.

۱- محرومیت از اخذ پنجاه فیصد معاش.

۲- محرومیت از اعطای نشان و مدال و سایر امتیازات.

۳- عدم تقرر به وظیفه بالاتر.

۴- محرومیت از شمولیت به کورسها و پروگرام های تعلیمی و تحصیلی در داخل و خارج کشور.

۵- عدم محاسبه مدت جیس در دوره خدمت.

در اخیر باید خاطر نشان ساخت که اگر منسوبین عسکری حین سپری نمودن جیس الی یکسال در قطعه مرتکب جرم دیگری شود محکوم به جیس تنفیذی گردیده مطابق ماده هفتم مقرر مذکور باید جیس قبلی و بعدی را یکی پی دیگری به محبس سپری نماید.

منابع و ماخذ:

قانون اجراءات جزایی عسکری.

قانون جزایی عسکری.

مقرر طرز سپری نمودن جیس تنفیذی منسوبین عسکری.

مجله قضا سال ۱۳۶۵ شماره هشتم. میر ناصرالدین کلیم.

حقوق اشخاص ...

اصطلاحات حقوقی

همچنان کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، در ماده ۱۰ چنین صراحت دارد اینکه زنان و دختران حق دارند در شرایط مساوی با مردان از امکانات و تسهیلات در زمینه آموزش (درمکب و کود کستان) برخوردار گردند و در این مورد هیچگونه تبعیض صورت نگیرد.

حق دسترسی به خدمات صحتی:

صحت به عنوان شرط لازم اشتراک مؤثر زنان و مردان در همه عرصه های زندگی تلقی می گردد. صحت زنان مطابق برنامه عمل بیجینگ، شامل سلامت روانی، فیزیکی و بیولوژیکی می شود که توسط زمینه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شان مشخص میگردد.

طبق ماده ۵۴ قانون اساسی افغانستان که چنین حکم می کند "دولت به منظور تأمین سلامت فیزیکی و روانی خانواده، به ویژه طفل و مادر تدابیر لازم اتخاذ خواهد کرد". دولت افغانستان معتقد است که به خاطر اجرای بهتر این مکلفیت بایست تدابیر عمده بی در جهت بهسود و وضعیت صحتی زنان اتخاذ گردد."

چنانچه ماده ۵۲ قانون اساسی چنین مقرر است "دولت وسایل و قیامه و علاج امراض و تسهیلات صحتی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین نمایند. دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحتی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند. دولت به منظور تقویت تربیت بدنی مسلم و انکشاف ورزشهای ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده ۱۸ قانون حقوق و امتیازات معلولین.

به منظور دسترسی افراد دارای معلولیت به عرصه خدمات صحتی، تداوی و باز توانی، جسمی و دماغی آنها، تدابیر لازم اتخاذ میگردد. ماده ۲۵ قانون صحت عامه، شرایط مساعد خدمات طب و قاپوری و ضد ویایی را برای مردم با اتخاذ تدابیر لازم در زمینه تأمین نموده و اتخاذ تدابیر را جهت جلوگیری از آلودگی محیط، بهبود شرایط کار و زندگی و وقایع از امراض مساری و وظیفه تمام ادارات دولتی و غیر دولتی، مؤسسات صنعتی و سکور خصوصی دانسته و طبق ماده ۲۴ این قانون مکلفیت های وزارت صحت عامه را جهت حمايه طفل و مادر چنین بیان نموده است.

(۱) وزارت صحت عامه جهت حفظ صحت و سلامت و تقویه بنیه جسمی و روانی اطفال، شرایط لازم را در پرورشگاه و مکاتب تأمین می نماید.

(۲) حجاجم درس، کار و نظام درسی اطفال و نوجوانان از طرف وزارت معارف با موافقه وزارت صحت عامه تئیت میگردد.

(۳) تقسیم اوقات معاینات و مراقبت های صحتی اطفال شیر خوار شامل پرورشگاه ها، مکاتب و کود کستان ها توسط وزارت صحت عامه باتشریک مساهی وزارت معارف و سایر ادارات ذیربط ترتیب میگردد.

در رابطه به تعلیم و تربیه در ماده ۴۳ قانون اساسی چنین آمده است: "تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی بیه صورت رایگان از طرف دولت تأمین میگردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام موثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم میکنند فراهم کند."

همچنان در ماده ۴۴ قانون اساسی اشاره میکند

دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحصای بسی سوادی در کشور، پروگرامهای موثر طرح و تطبیق نماید.

چنانچه در ماده دوم قانون معارف تأمین حق مساوی تعلیم و تربیه برای اتباع جمهوری اسلامی افغانستان از طریق رشد و توسعه نظام معارف همگانی، متوازن و عادلانه، تقویه روحیه احترام به حقوق بشر، حمایت از حقوق زن و دیموکراسی و رفع هر نوع تبعیض در پرتو ارزشهای اسلامی و عدم اعتیاد به مواد مخدر را از جمله اهداف این قانون دانسته است. در ماده ۳ قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت، چنین بیان نموده است: اتباع جمهوری اسلامی افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض دارای حق مساوی تعلیم و تربیه میباشند.

نتیجه گیری:

دولت افغانستان حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت را در چوکات قوانین بخصوص قانون اساسی که به تأسی از ماده ۵۳ قانون اساسی، قانون حقوق و امتیازات معلولین را تصویب نموده اما در عمل با مشکلات آتی مواجه اند:

نبود میکانیزم های تقویتی، حمایتی جامع و سراسری در کل، و پسران زنان دارای معلولیت بصورت خاص موجب گردیده است که معلولین بخصوص زنان و اطفال دارای معلولیت، مورد تبعیض قرار گرفته و مشکلات معلولین بخصوص زنان لاینحل باقی بماند زیرا:

عدم آگاهی مردم از حقوق افراد دارای معلولیت، فقر، نهد مسافه، مشکلات ترانسپورتی، تحقیر، بی توجهی به معلولین، عدم اعتماد به معلولین، نبود برنامه های ارتقایی ظرفیت برای معلولین، نبود حمایت مناسب به نیازمندی های آنها بخصوص زنان و اطفال دارای معلولیت، عدم موجودیت محیط مناسب، موجودیت عرف و عتعات ناپسند، عدم احساس مسؤلیت، مسؤلیت نسبت به آنها

بخصوص زنان دارای معلولیت، نبود بودجه مشخص برای آنها در کل و بصورت خاص برای زنان و اطفال معلول، نگرش منفی جامعه نسبت به آنها، تعبیر نادرست از مفاهیم دینی محدودیت، تحقیر، دید ترحم آمیز نسبت به آنها، شرم، عار و تنگ نسبت به معلولیت آنها، عدم فرصت های شغلی مناسب و کاری برای آنها، مسلوک منفی جامعه نسبت به آنها، عدم دسترسی به خدمات و تعلیمات اساسی، دسترسی محدود بکار و محدود خدمات عامه، تعلیمات ابتدایی و تحصیلات عالی، توسعه خشونت، دستیابی محدود حمایت های روانی اجتماعی نبود اراده سیاسی بساعت گردیده که معلولین مشکلات شان تاهنوز حل نشده باقی بماند

با آنکه قانون حقوق و امتیازات معلولین از طرف دولت تئیت گردیده، زنان دارای معلولیت متأسفانه در معرض تبعیض دو گانه پسر اساسی وضعیت و جنسیت قرار دارند و از جمله اشخاص آسیب پذیر جامعه و با مشکلات دست و پنجه نرم میکنند.

منابع وماخذ:

قانون اساسی افغانستان، سال ۱۳۸۲.

قانون حقوق و امتیازات اشخاص دارای معلولیت، جریده رسمی ۱۰۳۷.

کنوانسیون بین المللی حقوق اشخاص دارای معلولیت

قانون صحت عامه جریده رسمی ۱۰۰۴.

حقوق اشخاص دارای معلولیت، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۸۸، چاپ مطبوعه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

از خود بیگانه می: حالت و وضعیت سر درگمی

و بی معنی، که باساس آن در فرد بکنوع احساس به انزوا گرای و گوشه گیری ایجاد گردیده و اکثراً فرد را به طرف مجرمیت سوق میدهد.

ازدواج: عقدهی که زندگی نمودن باهمی مرد و زن را به مقصد تشکیل خانواده در چوکات شریعت و قانون مشروع گردانیده حقوق و واجبات را برای طرفین بوجود میآورد.

ازدواج باطل: ازدواجی که خللی در ارکان و یا هم در محل آن بطور آگاهانه وجود داشته باشد، هیچ نوع آثار ازدواج صحیح بر آن مرتب نمیرسد.

ازدواج بدل: عقد ازدواجی که طی آن شخص که زن و یا دختری را که به بالای وی ولایت دارد در مقابل اینکه شخص دیگر بالمقابل زن و یا دختری را که تحت ولایت اش قرار دارد برای وی به ازدواج بدهد.

ازدواج فاسد: ازدواجی که ارکان و شرایط آن مکمل بوده اما خللی در شرایط صحت آن وارد شده باشد.

ازدواج منته: عقد ازدواج مؤقت که انعقاد آن به لفظ منته یعنی تمتع از زن برای یک مدت معین و یا غیر معیت صورت گیرد. این عقد با وجود حضور شهود در آن، مطابق قانون مدنی افغانستان اعتبار ندارد

اسباب اباحت: حالات و اسبابی که باوجود آن ها، جرم قابل تعقیب نمی باشد.

اسباب احیای زمین: بین زدن زراعت، احداث بنا، حفر چاه، استخراج آب و غرس اشجار. (مراجعه شوبه احیاء زمین)

اسباب امتناع قصاص: سببی که اگر موجود گردد، بالای قاتل در قتل عمدی، حکم به قصاص صادر نمیرسد.

اسباب امر: اسباب قانونی و موضوعی که امیریر آن استوار میباشند.

اسباب حرمات وصایت:

اسباب شرعی و قانونی که در صورت موجود شدن آن، شخص نمی تواند منجبت وصی قرار گیرد.

اسباب حکم: وسایل اثبات در دعوی، که استناد آن محکمه حکم صادر نماید.

اسباب شفع: اسباب که به اساس آن حق شفع قانوناً و شرعاً ثابت شده می تواند.

اسباب غیر مترقیه: عواملی که وقوع آنها از قبل پیش بینی نشده باشد.

اسباب موجهه قدیمه: اسبابی که از گذشته وجود داشته و دارای قدرت الزام در اثبات یک حق بوده و سبب انجام یک تصرف شده میتواند.

اسباب میراث: اسباب شرعی و قانونی که به اساس آن یک شخص مستحق میراث میگردد

استبدال: مبادله کردن یک شی در برابر شی دیگر، بنا بر یک عیب و یا هر علت دیگری.

استبرای رحم: طلب پاکي رحم زن، از موجودیت نطفه، بخصوص بخاطر سپری نمودن عدت و وفات و یا طلاق.

استثمار: حصول منفعت مادی و یا معنوی از شخص و یا شی.

استجواب: به اجازه گرفتن چیزی. (مراجعه شود به اجازه)

استجواب: یکی از مراحل تحقیق که در آن مناقشه تفصیلی دلایل و ادله جمع آوری شده نسبت به اتهام وارده بالای متهم صورت میگردد

استجواب حکمی: روبرو کردن متهم با شهود و متهمین، توسط محقق.

استحاله: تغییر در ماهیت یک چیز (شی)، به نحوی که اعاده آن به حالت اولی (پیشین) ممکن نباشد

اقرار: اخبار شخص نسبت به حق اغیر بالای خودش در حضور محکمه.

اقرار به بنوت: اثبات نسبت طفل به اعتراف شخص منجبت پدر بودنش.

اقرار به جرم: پذیرش انتساب جرم نسبت به خود و قبول ارتکاب جرم در حضور محکمه

اقرار به مجهول: بیان شخص نسبت به الزام وی از موجودیت حق دینی یا عینی نامعلوم بسردمه وی در محضر قضاء.

اقرار به نسب: اقرار پدر به فرزند و اقرار فرزند به پدر.

اقرار به نسب غیر مجهول النسب: اقرار به آنچه که از اصل منترع گردیده است.

اقرار خاص: اقراری که مقرر راجع یک چیزی خاص و معین اقرار نماید. (مراجعه شود به اقرار).

اقرار شفاهی: اقراری که به طریق بیان شفاهی صورت گیرد.

اقرار عام: آنست که شخص راجع به تمام دارائی خود اقرار نماید. (مراجعه شود به اقرار).

اقرار کتبی: آن نوع اقراری که به طریق تحریری صورت گیرد.

اقرار موثبط: اقراری که از دو یا چند جزء مرتبط به یکدیگر تشکیل شده باشد.

اهلیت: ظرفیتی که شخص برای دارا شدن با اجرای حق و تکلیف دارد.

اهلیت استحقاق: اهلیتی که بر مبنای آن شخص در مطابقت با احکام قانون، دارای حقوقی گردد.

(مراجعه شود به اهلیت).

اهلیت استیفا: داشتن ظرفیت که شخص جهت تصرف در اموال و حقوق خود دارد. (مراجعه شود به اهلیت).

اهلیت استیفای کامل: صلاحیت شخص جهت اجرای تصرفاتش بصورت مباشر، بدون اینکه منوط به اجازه شخص دیگر است.



ورکشاپ سه روزه (اعتماد به نفس، رهبری و ارتباطات) برای کارمندان وزارت عدلیه

گزارشگر: پسرلمه بوری



ارزش ها
 میانجیگری حقوقی چیست؟
 فرق بین حکمت و میانجیگری چیست؟
 در کدام موارد حقوقی حکمت و میانجیگری باید صورت گیرد.
 درین ورکشاپ کارهای عملی و گروهی و همچنان نمایش تصاویر از زنان موفق و رهبران مشهور جهان و معرفی آنان در نظر گرفته شده بود.
 این ورکشاپ که به مدت سه روز ادامه یافت، در تالار کنفرانس های وزارت عدلیه دایر گردیده بود و با اخذ نظریات و پیشنهادات اشتراک کنندگان و توضیح تصدیق نامه ها به پایان رسید.

زین و لیدر شیب در اسلام
 لیدر شیب تولد میشود یا کسب میگردد
 مدیریت به مفهوم عام و خاص
 توانایی های عمده برای رهبر شدن
 شیوه های رهبری و انواع رهبری
 در روز سوم ورکشاپ موضوعات ذیل تشریح و توضیحات مفصل در زمینه ارائه گردید:
 مفاهیم (ارتباطات) چیست؟
 مفاهیم شفاهی و غیر شفاهی
 فصاحت، بلاغت و بیان درست
 آئینه شخصیت (آئینه جوهری)
 دیدگاه یا دورنما

آمریت جنرل وزارت عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور بلند بردن و ارتقای ظرفیت کارمندان اثاث این وزارت و آشنایی آنان با مسایل رهبری و ارتباطات و چگونگی بلند رفتن اعتماد به نفس ایشان، برنامه آموزشی سه روزه را از تاریخ ۱۶-۱۸ جلدی ۱۳۹۲ به همکاری تخنیک و مالی دفاتر محترم (UNDP) و شبکه زنان افغان (Afghan Women's Network) به اشتراک رؤسا و مدیران ارشد این وزارت بر راه انداخت.

اهداف و مقاصد این ورکشاپ را تقویت اعتماد به نفس کارمندان اثاث و فراگیری مسایل رهبری و ارتباطات و اینکه زنان کارمند چطور بستروند در سطوح رهبری قرار گیرند، تشکیل میداد. درین ورکشاپ حدود ۳۰ تن از کارمندان اثاث این وزارت اشتراک نموده بودند.
 در روز نخست این ورکشاپ موضوعات ذیل مورد بحث قرار گرفت:

تعریف اعتماد به نفس
 اعتماد به نفس و موفقیت در خاتم ها
 در میان منتهی ها مثبت باشم
 زنان و اعتماد به نفس
 اعتماد به نفس و رهبری زنان
 چند نکته سودمند برای افزایش اعتماد به نفس
 در روز دوم ورکشاپ که با تکرار موضوعات روز قبل آغاز گردید، موضوعات ذیل مورد بحث قرار گرفت:

تعریف رهبری
 حدیث نبی "ص" در رابطه به رهبری
 صفات یک رهبر
 وظایف یک رهبر

حقوق اشخاص دارای معلولیت

تبع ونگارش پسرلمه بوری

حق آموزش:

هر کس حق دارد از آموزش و پرورش رایگان بهره مند شود. آموزش که جمله حقوق اساسی بشری بوده در رشد و انکشاف جوامع بشری و تأمین سایر حقوق بشری در طول تاریخ از اهمیت ارزنده برخوردار میباشد. بر اساس قانون اساسی افغانستان، دولت مکلف است نازمینه آموزش و پرورش و تحصیلات عالی اتباع افغانستان را فراهم کند. همکذا ماده ۲۱، قانون حقوق و امتیازات معلولین چنین اشعار میدارد:

۱- برای اشخاص دارای معلولیت، نظام تعلیم و تربیت همگانی ایجاد و تعمیم یافته و سه منظور دسترسی آنها به تعلیمات، تحصیلات عالی و تکنالوژی پیشرفته؛ تسهیلات اختصاصی و تکنیکی ویژه فراهم میگردد.
 ۲- برای دستیابی اشخاص دارای معلولیت به علوم و تکنالوژی پیشرفته، وزارت تحصیلات عالی مکلف است تسهیلات اختصاصی (علوم باژتونی) را توسعه دهد.
 ۳- نهاد های تعلیمی و تحصیلی خصوصی مکلف اند خدمات خویش را برای اشخاص دارای معلولیت ۵۰ فیصد از اثرات عرضه نمایند.

ماده ۲۴ کنوانسیون اشخاص دارای معلولیت در زمینه چنین مشغول است: دولت های عضو، حق آموزش را برای افراد دارای معلولیت برسمیت می شناسند. با هدف تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، دولتهای عضو نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و بصورت آموزش مادام العمر تضمین می نمایند. افراد دارای معلولیت از نظام آموزش همگانی بر مبنای معلولیت مستثنی نمی گردند و به همین منوال کودکان دارای معلولیت از آموزش اجباری رایگان ابتدایی و یا متوسطه بر مبنای معلولیت مستثنی نمی گردند. افراد دارای معلولیت می توانند به آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان، با کیفیت، و فراگیر بر مبنای برابر با سایرین در جوامعی که در آن زندگی می نمایند، دسترسی داشته باشند. اتخاذ تدابیر مناسبی توسط دولت های عضو از جمله:

- ۱- تسهیل آموزش خط بریل و خطهای جایگزین، شیوه های تفویضی و جایگزین، روشها و قالبهای ارتباطاتی و مهارتهای ترددی و جهت یابی، و تسهیل حمایت و راهنمایی همسان
 - ۲- تسهیل در یادگیری زبان ایماه و اشاره و ارتقاء هویت زبانی جامعه ناشنایان
 - ۳- اطمینان حاصل گردد که آموزش افراد و بویژه کودکانی که نابینا، ناشنایا یا نابینا-ناشنوا هستند به مناسبترین زبانها، شیوه ها و روشهای ارتباطی برای آنها ارائه گردد.
 - ۴- منظور یاری در تضمین تحقق این حق، دولتهای عضو تدابیر مناسبی را در استخدام معلمان، از جمله معلمان دارای معلولیت که از شایستگی در زبان ایماه و اشاره و با خط بریل برخوردارند، اتخاذ می نمایند و افراد حرفه ای و کارکنانی که در تمامی سطوح آموزشی کار می کنند را آموزش دهند. چنین آموزشهایی بایستی آگاهی از معلولیت و استفاده از شیوه های جایگزین و تفویضی و روشها و قالبهای ارتباطاتی، تکنیکهای آموزشی و مواد مورد نیاز جهت حمایت از افراد دارای معلولیت را در بر گیرد.
- ماده ۲۴ کنوانسیون اشخاص دارای معلولیت

تدویر ورکشاپ (چهارروزه)

بیشتر شان در عرصه های مختلف آموزش گردید. هدف برگزاری ورکشاپ مذکور بلند بردن سطح ارتقاء اشتراک کنندگان میباشد. در ختم محفل محترم عبدالرحمن "عظیمی" آمر آگاهی های عامه حقوقی از اشتراک و سهم گیری فعال اشتراک کنندگان تشکر می نمود. ورکشاپ مذکور مدت چهار روز ادامه داشت مطابق تقسیم اوقات مرتبه شامل موضوعات چون منع خشونت و انواع آن در اجتماع، عوامل خشونت های خانوادگی و تاثیر منفی آن بالای اطفال، بحث آزاد پیرامون ریشه یابی خشونت های فامیلی، حقوق زن در اسلام، حقوق زن از دیدگاه قانون مدنی، حقوق سیاسی و اقتصادی زن، بحث آزاد پیرامون چگونگی کاهش خشونت ها در اجتماع، حقوق اساسی اتباع در قانون اساسی، وجای اتباع در قبال آگاهی دهی حقوقی، حقوق مظنون و متهم مطابق به قانون، بحث آزاد پیرامون آگاهی دهی حقوقی در مکاتب توسط محترم مبارک شاه "همدرد" تدریس گردید. ورکشاپ در عرصه های مختلف آموزش گردید. هدف برگزاری ورکشاپ مذکور بلند بردن سطح ارتقاء اشتراک کنندگان میباشد. در ختم محفل محترم عبدالرحمن "عظیمی" آمر آگاهی های عامه حقوقی از اشتراک و سهم گیری فعال اشتراک کنندگان تشکر می نمود. ورکشاپ مذکور مدت چهار روز ادامه داشت مطابق تقسیم اوقات مرتبه شامل موضوعات چون منع خشونت و انواع آن در اجتماع، عوامل خشونت های خانوادگی و تاثیر منفی آن بالای اطفال، بحث آزاد پیرامون ریشه یابی خشونت های فامیلی، حقوق زن در اسلام، حقوق زن از دیدگاه قانون مدنی، حقوق سیاسی و اقتصادی زن، بحث آزاد پیرامون چگونگی کاهش خشونت ها در اجتماع، حقوق اساسی اتباع در قانون اساسی، وجای اتباع در قبال آگاهی دهی حقوقی، حقوق مظنون و متهم مطابق به قانون، بحث آزاد پیرامون آگاهی دهی حقوقی در مکاتب توسط محترم مبارک شاه "همدرد" تدریس گردید. ورکشاپ در عرصه های مختلف آموزش گردید. هدف برگزاری ورکشاپ مذکور بلند بردن سطح ارتقاء اشتراک کنندگان میباشد. در ختم محفل محترم عبدالرحمن "عظیمی" آمر آگاهی های عامه حقوقی از اشتراک و سهم گیری فعال اشتراک کنندگان تشکر می نمود. ورکشاپ مذکور مدت چهار روز ادامه داشت مطابق تقسیم اوقات مرتبه شامل موضوعات چون منع خشونت و انواع آن در اجتماع، عوامل خشونت های خانوادگی و تاثیر منفی آن بالای اطفال، بحث آزاد پیرامون ریشه یابی خشونت های فامیلی، حقوق زن در اسلام، حقوق زن از دیدگاه قانون مدنی، حقوق سیاسی و اقتصادی زن، بحث آزاد پیرامون چگونگی کاهش خشونت ها در اجتماع، حقوق اساسی اتباع در قانون اساسی، وجای اتباع در قبال آگاهی دهی حقوقی، حقوق مظنون و متهم مطابق به قانون، بحث آزاد پیرامون آگاهی دهی حقوقی در مکاتب توسط محترم مبارک شاه "همدرد" تدریس گردید.